

مسمومیت دانش آموزان در لرستان

رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی لرستان از مسمومیت ۵۲ دانش آموز دیگر در مدرسه احمدیه بروجرد خبر داد. مهدی غیبی در گفت وگو با ایسنا اظهار کرد: روز چهارشنبه ۶۲ دانش آموز دیگر از دانش آموزان دبیرستان دخترانه احمدیه بروجرد دچار مسمومیت شدند. وی اضافه کرد: با دریافت این گزارش، سه کد آمبولانس، یک کد اتوبوس آمبولانس و یک کد موتورلانس به

بازداشت قاتل خواهر در بیمارستان

مردی که دربی اختلاف خانوادگی خواهر ۱۲ ساله اش را به قتل رسانده و بعد خودکشی ناموفق کرده بود، در بیمارستان بازداشت شد. سرهنگ عبدالمجید کرمی، رئیس پلیس آگاهی استان هرمگان به سایت پلیس گفت: کشف جسد دختری ۱۲ ساله در اطراف یکی از روستاهای شهرستان بندرعباس به پلیس گزارش شد. این نوجوان از سوی برادر ۱۹ساله اش به قتل رسیده و او خودزنی کرده و در بیمارستان خلیج فارس

محل حادثه اعزام شده است. رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی لرستان بیان کرد: این تعداد دانش آموز مسموم در بیمارستان آیتا... بروجردی و امام خمینی(ره) بروجرد بستری شدند.غیبی تصریح کرد: روز سه شنبه نیز ۲۱ دانش آموزاین مدرسه دچار مسمومیت شده بودند. مسمومیت این دانش آموزان بروجردی با منواکسیدکربن گزارش شده و علت در دست بررسی است.

تصادف دانش آموزان موتورسوار در یکی از روستاهای نیکشهر سه قربانی گرفت

کورسی دانش آموزان بامرگ

ایلیاحسین زاده
۱ گروه حوادث

زندگی خود زیر خاک دفن شد. « این را یکی از بستگان بهنام و بهروند رشید پور و فرشید بلوچ می گوید. این سه پسر نوجوان، روز سه شنبه و هنگام بازگشت از مدرسه خود در دهستان جاهان در شهرستان نیکشهر سیستان و بلوچستان با موتور تصادف کردند و جان خود را از دست دادند. به گفته اهالی روستا، این اولین بار نیست که چنین حادثه ای رخ می دهد و پیش از این نیز دانش آموزان دیگری دچار آسیب دیدگی شده بودند.

از بهنام و بهروند و فرشید که تمام زندگی و وفاقت شان با هم بود، حالا فقط یک قاب عکس مانده و دفتر و کتاب هایی که گوشه ای از خانه افتاده است. هر سه نوجوان، اهل روستای کوراندپ بودند و در کلاس اول راهنمایی درس می خواندند. بهنام و بهروند که برادر ز ناتنی بود، ۱۴ سال شان بود و فرشید هم ۱۵ سال داشت.

اسماعیل شاهو زهی، یکی از بستگان این سه نوجوان در مورد نحوه وقوع حادثه به جام جم می گوید: «بهنام، خواهرزاده من بود و بهروند و فرشید هم پسر خاله ام بودند. قبل از توضیح در مورد حادثه، کمی از وضعیت روستای مان بگویم تا متوجه شوید چرا بچه ها جان شان را این قدر راحت از دست دادند. در روستای کوراندپ، بیش از ۳۰۰ خانوار زندگی می کنند و در روستا ما مدرسه راهنمایی و دبیرستان نداریم. برای همین، بچه ها برای ادامه تحصیل باید حداقل ۱۰ کیلومتر از محل زندگی خود دور شوند. بهروند، بهنام و فرشید در مدرسه راهنمایی شهید رجایی در دهستان جاهان درس می خواندند که با کوراندپ ۱۰ کیلومتر فاصله دارد. آنها یک سرویس مدرسه هم داشتند که در کارش منظم نبود و برای همین بچه ها مجبور بودند با استفاده از موتورسیکلت، خودروهای عبوری، بارکش یا هر وسیله دیگری به مدرسه بروند و برگردند. »

دایی بهنام ادامه می دهد: «روز حادثه، بچه ها بعد از تعطیلی مدرسه سوار موتورهای شان شدند تا به خانه برگردند. بهنام و بهروند سوار یک موتور و فرشید هم سوار یک موتور دیگر بود. بهنام و بهروند پس از سوار شدن به موتورشان با موتور سوار دیگری کورس گذاشتند و از فرشید جلو افتادند. وقتی بهنام و بهروند به نزدیکی خانه خود رسیدند با موتورسواری که کورس گذاشته بودند، جروبحث شان می شود. آنها می گفتند ما زود تر به خط پایان رسیدیم و بهنام و بهروند هم همین حرف را می زدند.

عدلیه

قتل همسر در پرونده تیرانداز خیابان باهنر

تحقیقات پلیسی درباره سوء قصد مردی به جان برادرش در خیابان باهنر تهران، ابعاد هولناک این پرونده را فاش کرد. ضارب مسلح، قبل از حمله به برادرش، همسر باردار خود را به قتل رسانده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، این متهم ساعت ۱۲ ظهر سه شنبه در خیابان باهنر تهران با نزدیک شدن به برادرش، به سر او شلیک کرد. بعد هم سوار بر خودروی پژو ۲۰۷ خود و چهار بار از روی پیکر برادرش رد شد. او که تصور می کرد برادرش مرده، از محل گریخت. ماموران با شناسایی هویت ضارب مسلح، تجسس برای دستگیری او را آغاز کردند. بررسی های اولیه نشان داد او در ساختمانی در محله دیباجی تهران زندگی می کند. احتمال این که او به خانه رفته باشد وجود داشت. به همین دلیل تیم پلیسی راهی محل شده و متوجه حضور تیم جنایی مقابل ساختمان شدند. با تحقیق از سایراد از ساختمان مشخص شد، همسر مقتول در تماس با ساریدار خواسته بود به مقابل خانه شان برود که او با ورود به خانه با جسد زن جوان روبه رو شده بود.

در ادامه دوربین های اطراف خانه بازبینی شد و ماموران دریافتند، متهم ساعت ۸ صبح سراسیمه از خانه خارج شده بود. پلیس فرضیه قتل توسط متهم تحت تعقیب را مطرح کرده و به دنبال دستگیری اوست.

احتمال می رود او به دلیل اختلاف خانوادگی ابتدا همسرش را کشته و بعد سراغ برادرش رفته بود.

برادر متهم به قتل، در بیمارستان بستری است و پزشکان در تلاش برای نجات جان او هستند.

بازداشت قاتل خواهر در بیمارستان

بندرعباس بستری بود که با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافت. او در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که در پی اختلاف خانوادگی و پس از مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر با نقشه قبلی خواهر خود را به بیرون از خانه منتقل کرده و با ضربات ساطور به قتل رسانده است. متهم پس از قتل، جسد خواهرش را در پی تو پیچیده و در بیابان اطراف روستا رها کرد. خانواده اش وی را پس از خودزنی یافتند و به بیمارستان منتقل کردند.



مکت

+

واکنش آموزش و پرورش به حادثه

یکی از مسئولان روابط عمومی آموزش و پرورش نیکشهر در واکنش به این حادثه با بیان این که امکانات کافی برای احداث مدرسه در هر روستایی وجود ندارد، گفت: «آمار دانش آموزان پسر به حدی نیست که کد مدرسه متوسطه اول یا متوسطه دوم به آنها تعلق بگیرد.

کد مدرسه متوسطه اول دخترانه داریم، ولی آمار دانش آموزی پسرانه به شکلی نیست که بتوان این کد را تعلق داد. ضمن این که در روستای مرکزی جاهان یک خوابگاه و مدرسه شبانه روزی وجود دارد و این دانش آموزان می توانستند آنجا اسکان یافته و تحصیل کنند و همچنین با سرویس مرکزی به روستای شان بروند و دوباره برگردند اما با اختیار خود تصمیم گرفتند این کار را انجام ندهند. بحث دیگر این که این اتفاق خارج از مدرسه و وقت آموزش رخ داده است. دانش آموز تا زمانی که در مدرسه باشد، مسئولیت او به عهده آموزش و پرورش است و پس از خروج از مدرسه، مسئولیت او به عهده والدین خواهد بود.»

است. یکی از دبیران که به مراسم ختم آمده بود، می گفت این حادثه باز هم تکرار خواهد شد. من هم با این شرایط درس خواندم و لیسانس گرفتم. الان هم معلم خرید خدمتم، بدون هیچ حقوقی. خدا رحمت کند خانم مریم رئیس ای را که با هزار بدبختی کلی زحمت کشید تا توانست یک مدرسه راهنمایی دخترانه را پایه ریزی کند. بنده خدا حتی تا تهران هم رفت تا مجوز بگیرد. از وقتی خانم رئیس فوت شد، ساخت مدرسه راهنمایی دخترانه هم به حال خودش رها شد. الان ۱۶۰ دختر و پسر در مقطع ابتدایی در کوراندپ مشغول تحصیل هستند. ۱۹ نفر هم در مقطع راهنمایی تحصیل می کنند اما بقیه به دلیل مشکلات موجود ترک تحصیل کرده اند.»

بهنام نابغه بود

او آهی از سر حسرت می کشد و در مورد خواهرزاده اش که نابغه ای بود، می گوید: «امید زیادی به بهنام داشتم و می خواستم پزشک شود. معلمانش تا مرا می دیدند، می گفتند اسماعیل، اجازه نده خواهرزاده ات درسش را رها کند. بهنام می گفت دایی من یک بار صفحه قرآن را بخوانم، در ذهنم ثبت می شود. او جزء سی ام قرآن را از حفظ داشت. در تمام مقاطع تحصیلی، معدلش ۲۰ و کلی لوح تقدیر گرفته بود. بهنام من یک نابغه بود اما متأسفانه آرزوهایش را با خود به گور برد. خواهرم با دست دوزی و خیاطی می خواست بچه اش را به جایی برساند اما آموزش و پرورش با نساختن مدرسه برای روستا، او را از ما گرفت.»



مدرسه دختراندر روستا که نیمه کاره رها شده است

کلاهبرداری ۱۵ میلیاردی به بهانه گرفتن وام ۱۵۰ میلیاردی

را دارد. با چرب زبانی های اردشیر و تأییدیه بانک مطمئن شدم که می توانم این کار را انجام دهم. دو چک به ارزش ۱۵ میلیارد تومان به اردشیر دادم تا در حسابش قرار دهد و وام را بگیرد. اما بعد از وصول چک ها ناپدید شد. « پس از این شکایت ماموران تحقیقات برای شناسایی و دستگیری اردشیر را آغاز کردند اما ردی از او نبود. متهم حتی مدرسه فرزندش را هم تغییر داده بود. با ردیابی های پلیسی مشخص شد او خانه ای در شمال شهر اجاره کرده است. ماموران با دستور قضایی راهی خانه او شدند و دستگیرش کردند. سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: ماموران در بازرسی از خانه متهم، شش کیلو تریاک و تجهیزات نظامی شامل اسلحه و بی سیم کشف کردند.



تجهیزات پلیسی برای چه بود؟

از چچگی عاشق پلیس بازی بودم. در یک سفر خارجی اسلحه را خریدم اما هیچ وقت از آن استفاده نکردم. دوست داشتم آن را در کلکسیون تجهیزات پلیسی ام داشته باشم.

یک بیماری دارم و برای تسکین دردم تریاک مصرف می کردم.

شش کیلو برای مصرف شخصی؟

ششیده بودم با گارن شدن دلار قیمت تریاک هم گران می شود به همین دلیل زیاد خریدم.

جام جم

حوادث

INCIDENT

پنجشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۴۲۸

تننگر

شناسایی قاتل موبایل قاب

مرد جوان که در جریان سرقت گوشی و پول، مردی را در خیابان به قتل رسانده بود در زندان شناسایی شد. به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه سوم دی امسال، فردی هنگام عبور از یکی از کوچه های محله خانی آباد تهران مردی را دید که جاقو به پهلوش اصابت کرده و زخمی شده بود. او با اورژانس تماس گرفت و امدادگران خود را به آنجا رسانده، مرد زخمی به بیمارستان انتقال یافت اما بر اثر شدت جراحات جان باخت. با گزارش این قتل به محمد جواد شفیع، بازررس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. از روی مدارک همراه مقتول، هویت وی فاش و خانواده اش شناسایی شدند. معلوم شد گوشی و پول های او سرقت شده است. تحقیقات برای دستگیری قاتل ادامه داشت تا این که با گذشت دو ماه از ماجرا، ماموران رد دو سارق حرفه ای را یافتند و یکی از آنها چند روز پیش در پاتوقش در جنوب شهر بازداشت شد. متهم در تحقیقات اولیه منکر جرمش بود اما سرانجام اعتراف کرد موبایل قاب است و در جریان سرقت از مقتول، دوستش به نام شایان ۲۷ ساله مرتکب قتل شده بود. شایان در زندان شناسایی و به شعبه پنجم بازررسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: دوساله بودم که پدرم فوت کرد. بعد از ازدواج مادرم، راهی پرورشگاه شدم. تا پنج سالگی آنجا بودم، سپس دایی ام مرا به خانه اش برد. اوایل شرایط خوب بود اما بعد مرا مجبور می کرد کار کنم و پول هایم را به او بدهم. نوجوان بودم که خانه اش را ترک کردم. برای گذران زندگی با خلافکارها همراه شدم و جیب بری و سرقت گوشی انجام می دادم، شب ها هم در پاتوق شان می ماندم. آخرین باری که آزاد شدم، با شاهین سوار بر موتورسیکلت شده، راه عابران را سد کرده و با جاقو و قمه آنها را تهدید و گوشی ها را سرقت می کردم. مشروب، قرص و مواد می خوردیم تا تجارت سرقت خشن را پیدا کنیم. آن شب به آن مرد چپ چپ نگاه کردم و دعوا راه انداختم تا ترسد و گوشی اش را بدهد اما مقاومت کرد و مجبور شدم با جاقو او را بزنم. وقتی متوجه قتل آن مرد شدم، سرقت را متوقف کردم اما به اتهام سرقت دستگیر و روانه زندان شدم.



قتل با ادعای دفاع مشروع

پسر جوان که با ادعای دفاع مشروع در دعوایی مستانه مرتکب قتل شده بود، با رد ادعایش در دادگاه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از پاییز سال ۱۳۹۹ و با گزارش قتل پسر جوانی در یک نزاع دسته جمعی در قرقچک ورامین آغاز شد. ماموران تیم جنایی با حضور در محل متوجه شدند پوریا با ضربه جاقو مجروح شده و پس از انتقال به بیمارستان جان باخته بود. عامل قتل به نام امیر هم مجروح و در بیمارستان بستری بود. امیر بعد از بهبود حالتی تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: «من و دوستانم مشروب خورده و مست بودیم. یکی از دوستانم سونج ماشینش را به من داد تا آن را از چند خیابان پایین تر بیاورم. وقتی برگشتم متوجه درگیری دوستانم شدم. جلورفتم که پوریا با جاقو به من حمله کرد و دو ضربه به سینه و دستم زد. حال طبیعی نداشتم و می خواست مرا بکشد. برای دفاع از خودم جاقویی که روی زمین افتاده بود را برداشتم و یک ضربه به سینه امیر زدم و بعد هم بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم متوجه مرگ پوریا شدم.» امیر در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت و ادعا کرد اگر پوریا را نمی زد، خودش کشته می شد و در دفاع از جانش مجبور شده او را بزند. قضات در پایان جلسه عمل او را دفاع مشروع تشخیص داده و به پرداخت دیه محکوم شد. با اعتراض اولیای دم پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی، حکم را شکستند. به این ترتیب امیر برای دومین بار در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و وکیل آنها گفت: «متهم مست بوده و جاقو همراه داشته است.» سپس امیر در جایگاه ایستاد و گفت: «من نمی دانستم دلیل دعوی دوستان چه بود. وقتی به محل رسیدم آنها به جان هم افتاده بودند. وقتی پوریا مرا زد، جاقویی از روی زمین برداشتم و برای دفاع از خود ضربه ای به او زدم.» قضات دادگاه کیفری حکم به قصاص امیر دادند.